###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

######  واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**بررسي و مطالعه میزان شیوع افسردگی در**

**دانش آموزان سال سوم دبیرستانهای تیزهوشان یزد**

**خلاصه**

اختلالات خلق دربرگیرنده گروه بزرگی از اختلالات روانی هستند که حالات خلقی پاتولوژیک
( خلق بالاتر و پایین تر از حد طبیعی)، اعمال نباتی وابسته به آنها و دیگر اختلالات روان حرکتی تصویر بالینی اصلی آنها را تشکیل می دهد. در این بین انواع افسردگی اختلالات خلق، خصوصا افسردگی اساسی، گروه بزرگی را شامل می شوند که ممکن است به صورت اپیزودهای منفرد و یا اپیزودهای راجعه متظاهر شوند. بیمارانی که خلق افسرده دارند با کاهش انرژی و علاقه به کار، اشکال در تمرکز، بی اشتهایی، احساس بی ارزشی یا گناه و افکار مرگ و خودکشی مواجه
می شوند که این امر باعث اضمحلال بخش عمده ای از قوای فکری و نیروی کارآمد جامعه
می گردد.

بررسی دانش آموزان به لحاظ اهمیت آن از نظر بنیادی و کاربردی مورد توجه بسیاری از روانشناسان، مشاوران و علمای تعلیم و تربیت و متخصصان بهداشت روانی و سایر افرادی که به نحوی با دانش آموزان سروکار دارند قرار گرفته است. با توجه به اینکه وضعیت روحی- روانی دانش آموزان امر مهمی در وضعیت تحصیلی آنان به شمار می آید به غایت یافته های این تحقیق می تواند راهگشای بسیاری از مشکلات وابسته به تحصیل درمراکز آموزشی واقع گردد.

هدف از اجرای این تحقیق تعیین میزان شیوع افسردگی در دانش آموزان سال سوم دبیرستانهای تیزهوشان یزد و مقایسه آن با دانش آموزان سایر دبیرستانها می باشد. در این تحقیق 131
 دانش آموز سال سوم دبیرستان دخترانه و پسرانه تیزهوشان( گروه مورد) و 143 دانش آموز سال سوم دبیرستانهای دخترانه فاطمه مشکاه و پسرانه کیخسروی ( گروه شاهد) انتخاب شدند. در مجموع 274 دانش آموز به وسیله آزمون Beck مورد ارزیابی قرار گرفتند.

از میان 131 نفر گروه مورد 75 نفر(3/57%) و از میان 143 نفر گروه شاهد 77 نفر (9/53%) دچار افسردگی متوسط و شدید بودند که این اختلاف به وسیله chi-square آزمون گردید و با p-value = 0.932 این ارتباط معنی دار نشد یعنی از نظر شیوع افسردگی بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود ندارد. با بررسی میزان افسردگی بر حسب جنس، بعد خانوار، وضعیت مالی، شغل مادر و وضعیت زندگی با والدین نیز رابطه آماری معنی داری بین دو گروه بدست نیامد. این بدان معنی است که ما با این تعداد نمونه نتوانستیم ارتباطی از این حیث بین دو گروه مورد مطالعه مشاهده کنیم و دو گروه از نظر شیوع افسردگی تفاوتی ندارند.

**مقدمه :**

افسردگی یک سندرم و شامل مجموعه علایمی است که یک علت خاص را نمی توان برای آن پیدا کرد علایم این بیماری عبارتند از: افسرده بودن خلق و خوی در بیشتر روزها، کاهش آشکار علاقه و میل به هر نوع فعالیتی در زندگی، کاهش وزن، بی خوابی، خستگی و کاهش انرژی، احساس بی ارزشی و گناهکار بودن و کاهش تمرکز و تصمیم گیری و اندیشیدن به مرگ و خودکشی بدون داشتن طرحی برای آن.

این بیماری شایعترین بیماری روانی بعد از اضطراب می باشد با توجه به مواردی نظیر شیوع بالای ابتلا در دوره جوانی و ضربه های روحی عظیمی که به اطرافیان بیمار افسرده و جامعه وارد
می شود، غیرفعال شدن و کاهش کارآیی قشر عظیمی از نیروی فعال جامعه و تاثیر منفی بر دیگران و زیان اقتصادی و اجتماعی آن، نیاز به تحقیق در این مورد اهمیتی دوچندان دارد.

عامل دیگر اهمیت این تحقیق را می توان در این دانست که اکثر آمار و اطلاعات ما در مورد میزان شیوع افسردگی برگرفته از اطلاعات و تحقیقات در جوامع دیگر خصوصا جوامع غربی است با توجه به اینکه عوامل موثر بر افسردگی در هر جامعه متفاوت است بنابراین نیازمند به اطلاعات در مورد این بیماری در جامعه خودمان هستیم تا هم عوامل و علل آن را در جامعه خودمان بشناسیم و هم در رفع آن کوشاتر باشیم.

تحقیق در مورد شیوع افسردگی در دانش آموزان دبیرستانهای تیزهوشان از نیازهای جامعه ماست زیرا چنین دانش آموزانی در آینده عهده دار مسئولیت های خطیر جامعه می شوند و مردم نیز از این دانش آموزان انتظار بیشتری دارند. بنابراین می بایست از هر نظر، چه روحی و چه جسمی در سطح بالایی قرار داشته باشند که بتوانند آینده سازان خوبی برای کشور باشند و مسئولین و جامعه، باید حداکثر تلاش را برای کاهش و رفع این بیماری در دانش آموزان انجام دهند. عدم شناخت مدیران، معلمان و والدین از ویژگیهای شخصیتی و وضعیت روحی دانش آموزان، بخصوص
 دانش آموزانی که از توانایی خاصی برخوردارند. همچنین کمبود امکانات در فراهم آوردن فرصتهایی برای شکوفا سازی قابلیتهای آنان و در نهایت فقدان کمکهای ویژه در این راستا همگی از عواملی به شمار می روند که مانع تجلی این قابلیتها خواهد شد.

 به یقین عده زیادی در طی این روند قربانی این عدم شناخت ها می شوند که برای آنان ارمغانی جز ابتلا به اختلالات جسمی و روانی در پی نخواهد داشت. بنابراین هر جامعه ای که به بقا و پیشرفت خودش می اندیشد باید استعدادهای درخشان خود را در کانون توجه قرار دهد.

نکات فوق لزوم اهمیت بررسیهای دقیق و موشکافانه در مورد نیازهای فردی، ویژگیهای شخصیتی و بیماریهای روحی و روانی این افراد را آشکار می سازد. تا با توجه به نتیجه حاصل از این
بررسی ها، پیشنهادهایی در جهت توجه هر چه بیشتر نسبت به آنان ارائه دهیم.